

راست افراطی سلطنت طلب عکس برگردان جمهوری اسلامی است



مهرداد درویش پور

گویی خشونت لجام گسیخته جمهوری اسلامی علیه مردم برای مایوس کردن آن ها از اراده معطوف به تغییر و آزادی کافی نیست، بلکه راست افراطی در اپوزیسیون نیز باید به مددش بیاید. شوربختانه دامنه آشوب های راست افراطی سلطنت طلب هر روزه شدت می گیرد. به گونه ای که “زنده باد مرگ” گویا به اصلی ترین شعارشان بدل شده است. شدت گیری آشوب گری های آنها نه تنها نگرانی عمیقی را در افکار عمومی دامن زده بلکه حتی واکنش حزب مشروطه را نیز برانگیخته است. این گرایش نخست با شعارهای لمپنی “سبزی پلو ماهی” و سپس به قول خرسندی و علامه زاده عزیز با تشکیل ضمنی “گشت ارشاد” در خارج از کشور و “شکار نایاکی ها”، کوشید چهره “رادیکال” از خود در مبارزه با جمهوری اسلامی به نمایش بگذارد؛ در گام بعدی با حمله به تظاهرات، تحمیل عکس های رضا پهلوی به دیگر تجمعات و مصادر به مطلوب کردن اعتراضات عمومی، انگیزه های خود را از شرکت در اعتراضات عریان ساخت. در پی آن با درگیری و حمله فیزیکی به همه دگراندیشان مخالف جمهوری اسلامی که همزمان مخالف احیای سلطنت هستند و با برپایی طناب های دار و عکس شکنجه گران ساواک در تظاهرات، بی مرزی لجام گسیختگی خود را به نمایش گذاشت. امروز اما کار را به مراحل خطرناک تری رسانده اند به گونه ای که اگر در برابر این رویکردهای ضد دموکراتیک ایستادگی نشود فردا گام های غیر قابل مهار خطرناک تری از سوی آنان برداشته خواهد شد. هرچه اوضاع جلوتر پیش می رود، میزان نابردباری، لمپنیسم، اقتدار گرایی، تهدیدها و خشونت های کلامی و فیزیکی راست افراطی علیه مخالفان شدت می گیرد. نخست گروه های انتیکی تحت ستم را رسماً تروریست و تجزیه طلب و سزاوار سرکوب خواندند. سپس علیه چپ و مجاهدین و همچنین علیه جبهه ملی به نام فتنه گران ۵۷ شعار دادند. کار به این جا ختم نشد بلکه به توهین علیه هادی خرسندی و عالی پیام و شیرین عبادی در تظاهرات نیز کشید. آن را هم کافی ندانستند، به تعرض جنسی علیه عالی پیام روی آوردند و علیه هر “فتنه گر پنجاه و هفت” و ضرورت انتقام گرفتن از آنها شعار سر دادند. با این همه چه کسی می توانست باور کند تمامیت خواهی و نابردباری این گروه های راست

افراطی از شعار “مسیح بگو جاوید شاه” در بروکسل و شعار “حامد یادت نره پهلوی سرورته” و “مرگ بر سه فاسد ملا چپی مجاهد”، به شعار مرگ بر “اسی، مسیح، مجاهد” فرا بروید که هفته پیش در لندن سر دادند؟ یعنی نه تنها از عمل پیشین خود کوچکترین عقب نشینی که نکردند، سهل است، بر شدت تعرضات خود افزودند. این که حتی متحدان دیروزی رضا پهلوی را نیز تنها به این دلیل که به خواست و هژمونی او اتم ندادند سزاوار مرگ دانستند، خود نشان نشانه ها است

اما برخی برای جلوگیری از رسوایی بیشتر سرمنشا این گرایش، به جای جدی تر گرفتن خطر تعرض روز افزون راست افراطی، تنها به ارتش سایبری و دست های پنهان جمهوری اسلامی و ضرورت مقابله با آن اشاره می کنند

غیر قابل انکار است که جمهوری اسلامی مدتها است دست اندر کار نفوذ در میان سلطنت طلبان و از طریق آنان، تخریب کل اپوزیسیون است، اما مضحک است فراموش کرد که شعار “مرگ بر سه فاسد ملا چپی مجاهد” نه تنها توسط ارتش سایبری و افراد مظنون به حکومت یا برخی از آتش به اختیاران هوادار رضایپهلوی، بلکه توسط یاسمن پهلوی نیز تبلیغ شد. نباید فراموش کرد بخشی از نزدیک ترین یاران و مشاوران رضا پهلوی نیز ضمن ادعای امروز فقط اتحاد پلاتفرم سیاسی خود را “مبارزه با ارتجاع سرخ و سیاه” اعلام کرده اند. نباید فراموش کرد که حتی مشروطه خواهان معتدل نیز به رغم تفاوت شان با راست افراطی سلطنت طلب، موضع گیری علیه “فتنه ۵۷” را شرط همبستگی می خوانند. نباید فراموش کرد تاکنون جز سکوت معنا دار رضا پهلوی – که حتی حاضر نیست یک بیانیه تازه علیه این هواداران آتش به اختیار خود بدهد- با هیچ واکنش جدی از سوی او – جز ری توثیت کردن نصایح کلی چند سال پیش خود- روبرو نبوده ایم. برخی می کوشند خطر راست افراطی را با اشارات موهوم یا واقعی به خطر “افراطی ها” در هر سو، کم رنگ کنند. یا طرح شعارهایی همچون “نه سلطنت نه رهبری برابری، برادری” (که خود واکنشی در برابر شعار “رضا شاه روح شاد” و تلاش سلطنت طلبان برای مصادره به مطلوب کردن جنبش های اعتراضی در ایران و از جمله زن، زندگی، آزادی بود) را آغاز گر تفرقه انداری و قطبی کردن فضا قلمداد کرده و شعارهای راست افراطی را واکنشی در برابر آن بخوانند

اما در برابر این این پدیده و پلاریزاسیون روز افزون سیاسی در درون اپوزیسیون چه باید کرد؟ آیا تنها می توان با گسترش گفتمان اعتدال گرایی و دعوت به رواداری به جای حمله و تلاش برای حذف یکدیگر، تلاش های حکومت اسلامی برای تشدید اختلاف در درون حکومت را خنثی کرد؟

من در جدیدترین گفتگوی خود با سیمای جمهوری ایران به برخی از این راه کارها پرداخته ام. روشن است که هنگام افول یک جنبش همگانی، گرایش های افراطی ممکن است شدت گیرند. که هر جریانی بکوشد به جای تقویت همبستگی متکثر، دیگری را عامل شکست قلمداد کند. که رادیکالیسم کاذب ناشی از بی افقی را جایگزین درایت سیاسی و تعامل و همکاری کند. اما هیچ یک از این ها باعث نمی شود که با خود فریبی و عوام فریبی، پدیده خطرناک راست افراطی را تنها به توطئه های حکومت یا واکنشی گروه های محدود خود

سر و آتش به اختیار در برابر چپ افراطی، جدایی طلبان یا... تقلیل داد. امروز پراتیک روزمره راست افراطی و تکاپوهایش بیش از هر زمان دیگری نشان می دهد که مهمترین مانع در گسترش مبارزات همبسته و متکثر علیه جمهوری اسلامی است. در نیافتن این خطر به معنای نه فهمیدن این حقیقت تلخ است که این جریان و مواضع آن روی دیگر سکه و عکس برگردان حکومت اقتدار گرای اسلامی از نوع سکولار آن است. به جای توجه به این حقیقت و رضا پهلوی را مجبور به پاسخ گویی و مسئولیت پذیری کردن در برخورد به این پدیده، عبارت پردازی های کلی علیه چپ و راست و از آن بدتر به سراغ جنگ با اشباح رفتن، تنها به تقویت این جریان که در پی عقیم کردن جنبش زن، زندگی، آزادی در پیکار علیه جمهوری اسلامی است، منجر خواهد شد

پی نوشت: سخنان تازه یاسمن پهلوی که ضمن اعلام انزجار از ملا چپی مجاهد درباره آرزوی پیشین خود مبنی بر آرزوی مرگ آنان تخفیف داده اند، حکایت آفتاب آمد دلیل آفتاب را یافته است. این نشان می دهد که برخلاف ساده اندیشان که تکاپوهای راست افراطی را تنها به چند گروه آتش به اختیار یا از آن بدتر سایبری های نظام و دست های پنهان حکومت در پس آن تقلیل میدهند، این گرایش در بالاترین سطوح خاندان پهلوی اریشه های محکمی دوانده است

[https://www.facebook.com/photo?](https://www.facebook.com/photo?fbid=7009223999092614&set=a.174393962575686)

[fbid=7009223999092614&set=a.174393962575686](https://www.facebook.com/photo?fbid=7009223999092614&set=a.174393962575686)

خرداد ۱۹، ۱۴۰۲
